

The Economic Rights of Citizens from the Perspective of Imami jurisprudence And Ayatollah Javadi Amoli's point of View

Seyedreza Asadipour¹, Masoud Raei^{2*}, Hormoz Asadi Koohbad³

1 .Ph.D. student of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2 .Associate Professor of Law Department, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

3. Associate Professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 17-34

Article history:

Received: 5 Apr 2023

Edition: 8 May 2023

Accepted: 6 Jun 2023

Published online: 23 Dec 2023

Keywords:

economic rights, citizen, right of occupation, ownership, economic security.

Corresponding Author:

Masoud Raei

Address:

Iran, Najaf Abad, Islamic Azad University, Najaf Abad Branch, Department of Law, Theology and Islamic Studies.

Orchid Code:

0000-0002-0494-5058

Tel:

031 3500 2000

Email:

masoudraei@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: The discussion about the economic rights of citizens is one of the important and fundamental issues from a jurisprudential point of view, which has not been given much attention. The purpose of this article is to explain the approach of Imami jurisprudence towards the rights of citizens, especially Javadi Amoli's point of view in this regard.

Materials and Methods: This article is Analytical descriptive and the library method uses.

Ethical Considerations: In this article, Originality of texts, honesty and trusteeship Has been complied with.

Results: In Imami jurisprudence, including Javadi Amoli's point of view, the economic rights of citizens, including the right to employment, the right to development and the right to benefit from welfare, economic security, economic justice, the right to own property, inflation control, and the absence of corruption and hoarding, have been recognized and emphasized. In the biography of Hazrat Ali (AS), the elements of economic rights of citizens, especially economic justice and lack of economic corruption, have been of great interest. What is very important in this regard is that there is no difference between the economic rights of men and women and it is only in the field of occupation that family interests are considered.

Conclusion: Considering the important role of economic factors in the development and growth and excellence of citizens and the emphasis of Imami jurisprudence on observing and realizing the economic rights of citizens, it is necessary to provide the foundations for the realization of this right.

Cite this article as:

Asadipour R, Raei M, Asadi Koohbad H. *The Economic Rights of Citizens from the Perspective of Imami jurisprudence And Ayatollah Javadi Amoli's point of View.* Economic Jurisprudence Studies. 2023.

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲

بررسی حقوق اقتصادی شهروندان از دیدگاه فقه امامیه با تأکید بر دیدگاه آیت الله جوادی آملی

سیدرضا اسدی پور^۱، مسعود راعی^۲، هرمز اسدی کوه باد^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. دانشیار گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بحث در خصوص حقوق اقتصادی شهروندان از منظر فقهی از موضوعات مهم و اساسی است که چندان مورد توجه قرار نگرفته است. هدف مقاله حاضر تبیین رویکرد فقه امامیه نسبت به حقوق شهروندان به ویژه دیدگاه جوادی آملی در این خصوص است.

مواد و روش‌ها: مقاله توصیفی تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: در فقه امامیه و از جمله دیدگاه جوادی آملی حقوق اقتصادی شهروندان شامل حق اشتغال، حق توسعه و حق بهره‌مندی از رفاه، امنیت اقتصادی، عدالت اقتصادی، حق مالکیت کنترل تورم و عدم فساد و احتکار به رسمیت شناخته شده و مورد تأکید قرار گرفته است. در سیره حضرت علی(ع) نیز عناصر حقوق اقتصادی شهروندان به ویژه عدالت اقتصادی و عدم فساد اقتصادی مورد توجه زیادی بوده است. آنچه در این میان اهمیت زیادی دارد این است که تفاوتی میان حقوق اقتصادی زن و مرد وجود نداشته و صرفاً در زمینه حق اشتغال است که مصالح خانوادگی در نظر گرفته شده است.

نتیجه: با توجه به نقش مهم عوامل اقتصادی در توسعه و رشد و تعالی شهروندان و تأکید فقه امامیه بر رعایت و تحقق حقوق اقتصادی شهروندان، لازم است بسترهای تحقق این حق فراهم گردد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۷-۳۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۲

واژگان کلیدی:

حقوق اقتصادی، شهروند، حق اشتغال، مالکیت، امنیت اقتصادی

نویسنده مسئول:

مسعود راعی

آدرس پستی:

ایران، نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد نجف‌آباد، گروه حقوق، الهیات و
معارف اسلامی

تلفن:

031 3500 2000

کد ارکید:

0000-0002-0494-5058

پست الکترونیک:

masoudraei@yahoo.com

۱. مقدمه

شهروندان دارای حقوق اجتماعی، سیاسی، قضایی و اقتصادی هستند. حقوق اقتصادی دسته‌ای از این حقوق است که به امور اقتصادی افراد جامعه مرتبط می‌شود. این حق ابعاد مختلفی نظیر حق اشتغال و حق بهره‌مندی از رفاه را در بر می‌گیرد. حقوق اقتصادی ابعاد دیگر چون عدالت و امنیت اقتصادی را نیز شامل می‌شود. به همین دلیل تلاش‌های فراوانی از سوی دولت‌ها برای کاهش تبعیض، نابرابری، فاصله طبقاتی و هرچه منصفانه‌تر کردن مناسبات اقتصادی در جوامع صورت پذیرفته است. در این بین علاوه بر اسناد متعدد جهانی و منطقه‌ای که در موارد بسیاری کشورهای عضو را موظف به انجام برخی اصلاحات و اقدامات اقتصادی در جهت تضمین رفاه و آسایش نسبی شهروندان از جمله طبقات ضعیف اقتصادی و کارگران کرده‌اند، قوانین اساسی و موضوعه کشورها نیز به شیوه‌های مختلف درصدد تضمین حقوق اقتصادی شهروندان برآمده‌اند. در ایران، فصل سوم قانون اساسی به حقوق ملت پرداخته است. این فصل از اصل نوزدهم تا اصل چهل و دوم قانون اساسی به موضوع حقوق ملت پرداخته که در این فصل حقوق اقتصادی، شهروندان نیز مورد اشاره قرار گرفته است. یکی از اصول مهم مرتبط با بحث حاضر در فصل سوم قانون اساسی، اصل بیست و هشتم است که آمده است: «هر کس حق دارد شغلی که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند». تأمین حقوق اقتصادی افراد جامعه دارای اهمیت‌های بدیهی است. اصولاً اگر این دسته از حقوق برای انسان تأمین شود، راه برای سیرتکاملی و رشد معنوی انسان باز می‌شود. عدم تأمین نیازمندی‌های اقتصادی آثار

سوء و ویرانگری دارد. شاید پیامبر اکرم (ص) از همین روی فرمودند: «یعنی بیم آن است که فقر به کفر منتهی شود». بر اساس متون فقهی، انسان دارای بعد اقتصادی است، زیرا یکی از نیازهای اساسی انسان، نیاز اقتصادی است. انسان برای ادامه حیات خود ناگزیر از آن است که به کار و کوشش پرداخته و نیازمندی‌های اقتصادی خود را برطرف سازد. اهمیت نیازمندی‌های مادی انسان تا آنجاست که باید گفت هیچ مکتبی نمی‌تواند داعیه انسان‌سازی داشته باشد، مگر آنکه به نیازمندی‌های اقتصادی انسان توجه کرده و در جهت رفع آن برنامه‌ای صحیح ارائه دهد (نصری، ۱۳۷۹، ۳۲). چنان چه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و به سوی مردم مدین برادر (نسبی) یا قبیله‌ای آن‌ها شعیب را فرستادیم»، گفت: ای قوم من، خدای یکتا را بپرستید، که شما را جز او خدایی نیست، و پیمان و ترازو را کم مدهید. و ای قوم من، پیمان و ترازو را کامل و عادلانه بدهید و از مردم کالاهایشان را (هنگام اداء حقوق در تمام سنجیدنی‌ها) کم مگذارید و تبه‌کارانه در روی زمین نپوید» (هود، ۸۴-۸۵). بر اساس آن‌چه گفته شد، انسان از منظر فقهی علاوه بر بعد معنوی دارای بعد مادی نیز هست. اما بحث مهم این است که حقوق اقتصادی شهروندان شامل چه مولفه‌هایی است؟ در خصوص حقوق اقتصادی پژوهش‌های متعددی انجام شده است: سید علی محمد یثربی، در مقاله‌ای، حقوق اقتصادی را از منظر فقهی بررسی کرده است (یثربی، ۱۳۹۳)، مهری توتونچیان نیز، در مقاله‌ای به بررسی جایگاه حقوق اقتصادی - اجتماعی در حقوق بشر اسلامی از منظر فقه پرداخته است (توتونچیان، ۱۳۹۸) همچنین محسن فریور یگانه، رضا شکرانی و هادی سلیمی، در مقاله‌ای، مراحل تاریخی شکل

شهروندان به ویژه عدالت اقتصادی و عدم فساد اقتصادی مورد توجه زیادی بوده است. آنچه در این میان اهمیت زیادی دارد این است که تفاوتی میان حقوق اقتصادی زن و مرد وجود نداشته و صرفاً در زمینه حق اشتغال است که مصالح خانوادگی در نظر گرفته شده است.

۵. بحث

در این بخش به مصادیق حقوق اقتصادی شهروندان

۵-۱. مصادیق حقوق اقتصادی شهروندان

این مصادیق عبارتند از:

۵-۱-۱. حق اشتغال و تعهدات دولت

حق اشتغال یکی از ابعاد مهم حقوق اقتصادی است. این امر در ماده ۷۷ منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵ نیز مورد تأکید قرار گرفته است: «حق شهروندان است که آزادانه و بدون تبعیض و با رعایت قانون، شغلی را که به آن تمایل دارند انتخاب نمایند و به آن اشتغال داشته باشند. هیچ‌کس نمی‌تواند به دلایل قومیتی، مذهبی، جنسیتی و یا اختلاف نظر در گرایش‌های سیاسی و یا اجتماعی این حق را از شهروندان سلب کند». از منظر متون دینی نیز حق اشتغال پذیرفته شده و تفاوتی میان حق اشتغال زن و مرد وجود ندارد. در فقه امامیه نه تنها حق اشتغال مورد تأیید است که با وجود شرایطی خاص اشتغال زن مجاز شمرده شده و برتری، مرد نافی حق اشتغال زن نیست. با استناد به آیات ۳۴ سوره نساء و ۲۲۸ سوره بقره گرچه برای مردان درجه و فضیلتی نسبت به زنان ثابت می‌شود لکن این موجب نفی اشتغال زنان نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۴۰، ۳۴۰). حضور اجتماعی زنان پیامبر(ص) نیز حاکی از این است که زنان پیامبر(ص) نیز محبوس در خانه،

گیری نظام حقوق اقتصادی در قرآن کریم را موردبررسی قرار داده است (فریور یگانه؛ شکرانی؛ سلیمی، ۱۴۰۰). در مقاله حاضر اما تلاش شده به بررسی حقوق اقتصادی شهروندان از دیدگاه فقه امامیه با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی پرداخته شود. نوآوری مقاله حاضر در بررسی همین موضوع است. سوال پژوهش به این پرسش اختصاص دارد که حقوق اقتصادی از منظر فقه امامیه و جوادی آملی چه مصادیقی را شامل می‌شود؟ فرضیه مقاله نیز بدین شکل مطرح شده است که «حق اشتغال، حق توسعه و حق بهره‌مندی از رفاه، امنیت اقتصادی، عدالت اقتصادی و حق مالکیت و همچنین عدالت اقتصادی و عدم فساد اقتصادی از مهمترین حقوق اقتصادی شهروندان در فقه امامیه و دیدگاه جوادی آملی است». به منظور بررسی سوال مورد اشاره ابعاد حقوق اقتصادی از دیدگاه فقه امامیه و جوادی آملی تبیین و تحلیل شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله توصیفی تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

در فقه امامیه و از جمله دیدگاه جوادی آملی حقوق اقتصادی شهروندان شامل حق اشتغال، حق توسعه و حق بهره‌مندی از رفاه، امنیت اقتصادی، عدالت اقتصادی، حق مالکیت کنترل تورم و عدم فساد و احتکار به رسمیت شناخته شده و مورد تأکید قرار گرفته است. در سیره حضرت علی(ع) نیز عناصر حقوق اقتصادی

نبودند رسول الله زنان خویش را به سفر می برد و از بیرون رفتن ایشان از خانه منع نمی کرد، ام سلمه همسر با وفای پیامبر در دفاع از ولایت به مسجد رفت و در حضور خلیفه و حاضران گواهی می داد. حق اشتغال زن صرفاً در شرایطی که مصالح خانوادگی در میان باشد، با محدودیت مواجه است.

در متون دینی نه تنها حق اشغال به رسمیت شناخته شده است که دولت متعهد به ایجاد بسترهای اشتغال شهروندان نیز هست. نخستین نقش دولت و حکومت اسلامی عبارت است از تسهیل شرایط بخش خصوصی برای کار و تولید و کمک به افراد برای بهره برداری از توانمندی های ذاتی، خود و همکاری با یکدیگر برای بهبود اوضاع مادی شان و قادر ساختن آنان بر افزایش تولید و رفاه خود و هم چنین بر دستیابی به نتایج فعالیت های اقتصادی شان؛ بنابراین دولت در نظام اقتصادی اسلامی دولتی سلبی نیست که فقط به امور اداری و سیاسی بپردازد؛ بلکه دولتی فعال و حاضر در عرصه اقتصادی است. دولت، فعالیت و حضورش را در خدمت افراد و کمک به آنها در انجام مسئولیت تولید و توسعه قرار می دهد و آنها را در این امر کمک و پشتیبانی می کند و افزون بر این از حقوق آنها و درآمدها و سودهایی که در خلال فعالیت های اقتصادی شان به دست می آورند نیز حمایت می کند (شفیع زاده، ۱۳۷۳، ۱۸۷). حضرت علی (ع) در نامه ای به مالک اشتر می نویسد: «هنگام خشک سالی و رکود از میزان خراج بکاه و از این کار نگران نباش؛ زیرا [در دوره های بعدی] افزایش درآمد مردم و رونق اقتصاد می شود، و والی می تواند پس از بهبود، دوباره میزان خراج را افزایش دهد» (سیدرضی، ۱۴۱۴، ن ۲۶). عمر بن عبدالعزیز از

خلفای بنی امیه نیز در نامه ای به یکی از والیان می نویسد: «نگاه کن پیش از تو چه زمین هایی کشت نشده است؛ پس برای کشت آنها را به افراد واگذار تا به حد مالیات دهی برسد و اگر کشت نشد، کمک کن و اگر بازهم کشت نشد از بیت المال مسلمانان برای کشت آن هزینه کن» (صدر، ۱۳۷۵، ۷۲). امام برای به فعلیت رساندن وظیفه یاد شده به دست مردم دولت را موظف به آباد کردن زمین می نماید. از این رو در ابتدای نامه خود به مالک یکی از وظایف اصلی او را آباد کردن مصر بر می شمارد.

جوادی آملی اهمیت بالایی بر حقوق اقتصادی شهروندان قائل است. از دید وی «اگر ستون فقرات ملتی که همان مسائل مالی و امکانات مالی آنهاست شکسته باشد، این قدرت مقاومت ندارد و از پا در می آید. هرگز فقیر را فقیر نگفتند برای اینکه او مال ندارد، برای اینکه در صدر اسلام این همه افراد بی مال بودند که بدر و احد را اداره کردند. فقیر را فقیر میگویند برای اینکه ستون فقراتش شکسته است» (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۱۵). آیت الله جوادی آملی ضمن تأکید بر نقش اقتصاد، بر تعهدات دولت در ایجاد بستر درآمد شهروندان نیز صحنه می گذارد. «از پیامبر نقل شده است خدایا بین ما و نان ما جدایی نینداز. منظور از نان، اقتصاد است، نان یعنی اقتصاد مملکت. عرض کرد خدایا بین مسلمانها و نان و اقتصاد آنها جدایی نینداز؛ زیرا اگر بین مسلمانان و نان آنها جدایی افتاد، دیگر دین داری مشکل است. بنابراین ماقبل از اینکه از درآمد، مالیات بگیریم، باید راه تحصیل درآمد را هموار کنیم. نباید بگوییم ما مسئول گرفتیم، دیگری مسئول تغییر است. هر دو یک واقعیت

است» (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۱۵). وی می‌افزاید: «کشوری که آب دارد، خاک دارد، مع ذلک فقیر و محتاج باشد، خدا آن را از رحمت دور بدارد! این نفرین علی است. نفرین علی دیگر به مراتب بالاتر از دعای ماست، صریح فرمود: ملتی که آب دارد، خاک دارد، ولی محتاج است، خدا او را از رحمت خود دور کند» (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۱۶). حق اشتغال از دیدگاه جوادی آملی در تعبیری چون تلاش و جهد در تولید بیان شده است. از دیدگاه استاد جوادی آملی شالوده فرهنگ اسلامی در روابط اقتصادی بر کار و تلاش مستمر در گسترش درآمد استوار است. بر پایه فرهنگ اسلامی هرکس باید تا آخرین لحظه عمر خودکار و تلاش داشته باشد و در هیچ مقطع از عمر خود بازنشسته و بیکار نشود. مسلماً جامعه‌ای که چنین باشد مشکل اقتصادی نخواهد داشت (جوادی آملی، ۱۳۸۹). حق بر اشتغال از جمله آزادی‌های بنیادی و اساسی هر عضو جامعه انسانی می‌باشد. قانون اساسی و قانون کار جمهوری اسلامی ایران نیز پاره‌ای از این مسائل را مورد توجه قرار داده‌اند. حق اشتغال در میان حق‌های رفاهی یا نسل دوم حق‌های بشری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

۵-۱-۲. حق انتخاب آزادانه مشاغل

در اسلام حق انتخاب آزادانه مشاغل نیز به رسمیت شناخته شده است. این امر در اصل ۲۸ قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است: «هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید». آیت‌الله جوادی آملی نیز به

حق انتخاب آزادانه شغل اعتقاد دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۱۶۰). وی بر این نظر است که شغل هر شهروند تأثیرمستقیم بر روی رفتار و اخلاقش دارد و انسانی که به خاطر خصلت ناپسند دنیاطلبی، شغلی نامشروع را انتخاب می‌کند و به شخصیت انسانی خود آسیب می‌زند و در مقابل، داشتن شغل خوب و آبرومند، در تعالی روحی و اخلاقی انسان اثرگذار می‌باشد و لذا حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «خداوند کارهای شرافتمند و والا را دوست دارد و از کارهای پست و حقیر بیزار است» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۷، ۷۳). «بر این اساس اسلام برخی از مشاغل را واجب، بعضی را حرام و بخشی را مستحب و برخی دیگر را مکروه شمرده است» (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۱۶۰). از کلام ایشان بر می‌آید که حق شهروندان است که آزادانه و بدون تبعیض، شغلی شرافتمندانه را انتخاب کرده، به آن اشتغال پیدا کنند و کسی نمی‌تواند به خاطر تفاوت‌های قومیتی، مذهبی، جنسیتی و داشتن عقاید و گرایش‌های خاص سیاسی و اجتماعی این حق را از شهروندان سلب کند و باید همگان از حق فرصت برابر در دسترسی به مشاغل و انتخاب آزادانه شغل مورد نظر خود طبق آموزه‌های دینی و قانونی، مخارج معاش خود را تأمین کند، برخوردار باشند (ماده‌ی ۷۷ و ۷۸ منشور حقوق شهروندی). ایشان اشتغال و کسب را از عوامل مادی تولید ثروت دانسته، می‌فرمایند: «در اسلام کسب حلال واجب شده و از حرام باید پرهیز کرد (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۵۸۱). حق انتخاب آزادانه مشاغل به معنی آزادی هر شخص حقیقی یا حقوقی به انجام هر فعالیت، کار و شغل دلخواه خود، اعم از پیشه، هنر، صنعت و بازرگانی بدون وجود محدودیت است به نحوی که در این زمینه

دولت و دیگر اشخاص نتوانند مانع او شوند. این آزادی پایه فعالیت‌های حرفه‌ای و بازرگانی محسوب می‌گردد. هر شهروندی آزاد است به یک فعالیت شغلی بپردازد؛ با وجود آن که اصولاً و قانون اشتغال به هر شغل آزاد است، لکن به لحاظ آثار اقتصادی و مادی که مشاغل در اجتماع دارند، و نیز به لحاظ مقتضیات نظم و امنیت عمومی، اشتغال به کسب و پیشه و صنعت تابع محدودیتها و نظامات ناشی از انحصارات دولتی سازمان‌های حرفه‌ای، اصول و ضوابط برنامه‌ای دولت و سیاست‌های نظارتی دولت بر بازرگانی خارجی و تهیه و توزیع کالاها است.

۵-۱-۳. حق مالکیت

حق مالکیت، کامل‌ترین حق عینی است و منظور از کامل بودن این است که این حق تمام اختیارات را جهت استفاده و بهره برداری به صاحب خود خواهد داد. حقی که انسان نسبت به اشیا دارد، می‌تواند حق مالکیت باشد. مالکیت می‌تواند مالکیت بر منافع یا مالکیت بر عین باشد. مالکیت بر عین کامل‌ترین حقی است که برای انسان، نسبت به اعیان خارجی، متصور است. مالکیت حقیقت شرعیه ندارد و برای شناخت آن باید به عرف و لغت مراجعه کرد و از ارتکاز عرف و عقلا و برداشت عمومی، به معنای آن پی برد. گرچه به نظر می‌رسد ملکیت مفهومی آشکار است اما نمی‌توان بی‌نیاز از تعریف آن بود. تعریف ملکیت برای آن است که معلوم شود چه چیزی در مفهوم این نهاد وجود دارد که نبود آن، باعث عدم تحقق مالکیت زمانی در عالم اعتبار است. برخی از لغویان «ملک» و «مالکیت» را به آثار آن معنا کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ۲۳۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ۴۱۲). به نظر می‌رسد جامع‌ترین تعریف، واجدیت

و دارا بودن است که در عبارت‌های محقق اصفهانی یافت می‌شود (جزائری المروج، ۱۴۱۶، ج ۱، ۱۱۵). در فقه نیز در رابطه با مالکیت تعاریفی چند وجود دارد. براساس تعریف یکی از فقها از مالکیت «حقیقت مالکیت فقط یک اعتبار عقلایی است؛ عقلاً چیزی را که در دست کسی قرار دارد، علقه ای بین او و چیزی که در اختیار وی می‌باشد اعتبار می‌کنند که این رابطه منشاء تسلط وی بر آن چیز می‌باشد» (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱، ج ۱، ۵۳). قانون مدنی ایران در موارد ۳۰ و ۳۱ نیز به این معنا اشاره دارد. در فقه هم هر سلطه قانونی را ملک می‌نامند و مالکیت صفتی است که از این نظر به کار می‌رود، لذا گفته‌اند مالکیت خانه، مالکیت حق تحجیر، مالکیت منافع، مالکیت بضع، مالکیت حق اختصاص و غیره (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱، ج ۱، ۵۳). از نظر برخی حقوقدانان «مالکیت حقی است دائمی که به موجب آن شخص می‌تواند در حدود قوانین، تصرف در مالی که به خود اختصاص دهد و از تمام منافع آن استفاده کند» (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۶۰۱). قانون مدنی ایران، مالکیت را تعریف نکرده، اما اوصاف این حق را می‌توان از مواد قانونی به دست آورد. به موجب ماده (۳۰) قانون مدنی مالکیت حقی مطلق است و از ماده (۳۱) نیز انحصاری بودن آن برداشت می‌شود. همچنین، به رغم عدم تصریح قانونی، مالکیت حقی دائمی است که موقتی بودن با طبیعت آن منافات دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۱۰۵-۱۰۸). به نظر می‌رسد بهترین تعریف در مورد مالکیت عبارت باشد از رابطه میان شخص و مال، که به شخص اجازه دائمی و انحصاری هرگونه انتفاع و تصرف در آن را می‌دهد. به عبارت دیگر، مالکیت موجب سلطنت کامل فرد

بر مال می‌شود و البته مال عبارت است از هر چیزی که بتواند مورد داد و ستد قرار بگیرد و از نظر اقتصادی ارزش مبادله را داشته باشد (امامی، ۱۳۹۱، ج ۱، ۱۲۶).

قاعده تسلیط، تثبیت کننده ارکان مالکیت است و نظر به اهمیت مسئله اموال و مالکیت، تمامی مکاتب حقوقی جدید این قاعده را پذیرفته‌اند (انصاری، ۱۴۱۷، ج ۲، ۳۲۷ - ۳۲۹؛ بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۵، ۲۲۱). قاعده تسلیط در واقع به این معناست که هر فردی در استفاده از اموال تحت مالکیت خود و نوع استفاده و بهره‌برداری که از آن می‌کند اختیار کامل دارد و می‌تواند هرگونه دخل و تصرف از قبیل خرید و فروش اجاره دادن و انتقال منافع و حتی از بین بردن مال را انجام دهد، و کسی حق ندارد در انجام تصرفات و بهره‌برداری از اموال خود مانع و یا مزاحمت ایجاد نماید (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۸، ۲۵۹). قاعده تسلیط خود ریشه بسیاری از قواعد حقوقی دیگر است که در بحث مالکیت خصوصی کاربرد دارند، از جمله قاعده لزوم که این قاعده ریشه عمیقی در مفهوم قاعده تسلیط دارد، به این صورت که اگر به عنوان مثال شخصی مال خود را از طریق خرید و فروش به دیگری منتقل کند، فروشنده یا شخص دیگر، غیر از مالک حق دخل و تصرف در مال خریداری شده توسط خریدار را ندارد.

در مواد ۳۰ و ۳۱ قانون مدنی ایران نیز به قاعده تسلیط اشاره شده است. قاعده تسلیط هم در خصوص حق مالکیت زنان و هم مردان مصداق دارد و تفاوت در این خصوص وجود ندارد (امامی؛ صفایی، ۱۳۸۸، ۱۳۳). مطابق ماده ۱۱۱۸ ق.م نیز زن مستقلاً می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند این یک قاعده مترقی است که در بعضی از کشورهای متمدن و پیشرفته، زنان

پس از سال‌ها مبارزه به آن دست یافته‌اند. کار اقتصادی زن هم جزو اموال او به شمار می‌آید و زن مجبور نیست آن را به رایگان در اختیار شوهر بگذارد، مگر کاری که برحسب عرف و عادت از باب حسن معاشرت یا معاضدت، وظیفه زن محسوب می‌شود که زن نمی‌تواند مزدی برای آن مطالبه کند.

۵-۴. حق توسعه و حق بهره‌مندی از رفاه

«وسع» در مقابل «ضیق» و به معنای فراخ بودن است. «وسع» و «سعه» در مکان و حال و در افعالی مانند قدرت و جود به کار می‌رود. وسع در قدرت یعنی توانی افزون بر اندازه تکلیف (مصطفوی، ۱۳۶۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷). طبق نگرش هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی آیت‌الله جوادی آملی می‌توان گفت که «توسعه فرایندی است که متضمن رشد مداوم در ابزار و روابط مادی و معنوی و بنیان‌های اقتصادی اجتماعی می‌باشد و انسان در این جریان، می‌تواند به تعالی و کمال برسد. بر اساس این تعریف اولاً توسعه یک جریان پویا و مداوم است و ثانیاً همه جانبه بوده، فقط اقتصادی نیست و ثالثاً هدف‌دار است که محور آن انسان و تعالی و کمال اوست». (جوادی آملی، ۱۳۸۹). حضرت علی (ع) در منشور حکومت‌داری به مالک اشتر بعد از معرفی اقشار گوناگون جامعه می‌فرماید برای تمام اقشار گوناگون یاد شده در پیشگاه خدا گشایشی است و همه آنان به مقداری که امورشان اصلاح شود بر زمامدار حقی مشخص دارند، و زمامدار از انجام آنچه خدا بر او واجب کرده است نمی‌تواند موفق باشد جز آن که تلاش فراوان، نماید و از خدا یاری بطلبد، و خود را برای انجام حق آماده سازد و در همه کارها آسان باشد یا دشوار شکیبایی ورزد (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴، ۲۱۹). آن حضرت در گزارشی از

وضعیت رفاهی مردم کوفه که ظاهراً در اواخر عمر شریفشان ارائه داده‌اند، می‌فرمایند: «در کوفه هیچ کس شب را به صبح نمی‌آورد مگر آنکه در نعمت و برخوردار از مواهب زندگی است. پایین‌ترین آنان از نظر منزلت نان گندم، می‌خورد در سرپناه به سر می‌برد و از آب فرات می‌نوشد» (قاسمی، ۱۳۹۳، ۴۹).

جوادی آملی رفاه اقتصادی جامع را درگرو دو عنصر محوری می‌داند: کوشش در تولید و قناعت در مصرف (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۱۷، ۳۴۴). مراد از تولید در این‌جا هر نوع اشتغال به کار مشروع برای تأمین زندگی و پیشرفت اقتصادی فرد و جامعه است و شامل کشاورزی، دامداری، تجارت، صنعت و مانند آن‌ها می‌شود و درآیات و روایات بر آن تأکید شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۵۷۷). از نظر ایشان، ضعف ساختار اقتصادی و فقر عمومی، عدم برخورداری از ثروت‌ها و منابع ملی و عقب‌ماندگی در عرصه‌های مختلف اقتصادی در سطح کلان، تهدید اقتصادی است و لذا می‌فرمایند: «کارگران با کوشش خود امنیت و استقلال اقتصادی و بهبود معیشتی را برای امت اسلامی به ارمغان می‌آورند؛ شاید از این رو بوده است که امام صادق علیه‌السلام کارگر را در ردیف جهادگر در راه خدا قلمداد کرده است: کسی که کار و کوشش می‌کند تا نیازهای عائله‌ی خود را تأمین کند، مانند مجاهد در راه خداست» (کلینی، ۱۴۳۰، ج ۵، ۸۸). نیز آن حضرت علیه‌السلام می‌فرماید: «کسی که در عین تنگدستی و فقدان وسایل معیشتی، به اندازه‌ی تأمین غذای خود و خانواده‌اش کار می‌کند و حرامی نمی‌طلبد، مانند مجاهد در راه خداست» (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۱۶۶).

امیرالمومنان علی علیه‌السلام بیش از آنچه که به گرفتن مالیات توجه نشان دهد به بهبود وضع مردم و بالا رفتن سطح تولیدات آن‌ها توجه می‌کرد ایشان در توصیه‌هایی در باب مدارا با مردم هنگام اخذ مالیات به مالک اشتر^۱ فرمود: «باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع‌آوری خراج باشد خراج با آبادانی فراهم می‌گردد. کسی که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد؛ شهرها را، خراب بندگان خدا را نابود و حکومتش مدت کوتاهی دوام خواهد داشت اگر مردم از سنگینی مالیات در وقت آفت‌زدگی خشک شدن آب چشمه‌ها کمی، باران خراب شدن زمین بر اثر سیلاب‌ها یا خشک‌سالی شکایت کردند؛ در مالیاتشان به میزانی تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد هرگز تخفیف دادن در خراج تو را نگران نسازد، زیرا آن اندوخته‌ای است که در آبادانی شهرها و آراستن ولایت‌ها نقش دارد (سیدرضی، ۱۳۸۶، ن ۵۳).

وَلَا قِوَامَ لَهُمْ جَمِيعاً إِلَّا بِالتَّجَارِ وَذَوِ الصَّنَاعَاتِ...
امیرالمومنان علی علیه‌السلام مالک اشتر را به حمایت از «بازرگانان» و «صاحبان صنایع و خوش رفتاری با آنان سفارش کرده و طبقه از است جامعه را پدید آورندگان و وسایل زندگی و آسایش معرفی می‌کند. ایشان بازرگانان را مردمی آرام و آشتی طلب می‌دانند (سیدرضی، ۱۳۸۶، ن ۵۳). در این فراز امام علی (ع) اثر و نقش نجار و صنعت پیشگان را تذکر داده می‌شود. ای مالک قوام و برپایی برای هیچ کدام از طبقات و دسته‌ها نیست مگر به وسیله کسبه و بازاریان و صاحبان صنایع آری این کسبه و تجار هستند که با زحمات طاقت‌فرسا اجناس را از راه‌های دور و نزدیک با مشقت‌های فراوان به بازار می‌آورند و عرضه می‌دارند و گاهی هم ضرر می‌کنند

۵-۱-۵. عدم فساد، احتکار، کم‌فروشی و گران‌فروشی

حکومت باید در جاهایی که لازم است در امور اقتصادی مردم دخالت کند (خمینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ۴۸۸). حکومت در مواردی که ثبات و بستر سازی برای پیشرفت اقتصادی ایجاد کند و جامعه را به رفاه معیشتی نسبی برساند واجب است (مالک، ۱۳۸۲، ۵۰). در روایت با این تعبیر آمده است که... و تقوم أسواقکم... [با بودن زمامدار]، بازارهای شما ثبات می‌یابد (باباپور، ۱۳۸۰، ۳۱). این ثبات و قوام که در روایت آمده است در موارد مختلفی قابل تطبیق است. از جمله در مواردی که احقاق حق در میان باشد. این احقاق و استیفای حق می‌تواند حق عمومی یک جامعه باشد یا حق شخصی افراد باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳، ۳۵۹). در این زمینه تلاش برای مبارزه با فساد اقتصادی و رانت و ویژه خواری از واجبات مهم است که برعهده حکومت است. احتکار، کم‌فروشی و گران‌فروشی از مصادیق خشونت اقتصادی در یک جامعه است که دولت اسلامی در مقابله با آن مسئولیت دارد. احتکار به‌شدت به بدنه‌ی اقتصاد جامعه اسلامی ضربه می‌زند و همچنین دولت اسلامی را با مخاطره، بحران، فشار و سوء تدبیر مواجه می‌کند. «دخالت حکومت در جلوگیری از احتکار عقلاً بر حکومت واجب است، هر چند روایات و سیره معصومین (ع) نیز مؤید آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ۴۲۶؛ بیهقی، ۱۴۱۹، ج ۹، ۳۵۴). امیرالمؤمنان علی علیه‌السلام آن قدر به شیوه‌ی معاملات توجه داشت که وقتی دید میثم تمار صحابی و یار عزیزش خرماهای در سبزش را به دو قسم خوب و بد جدا کرده است و می‌فروشد باخشم آن‌ها را به هم می‌ریزد و دستور می‌دهد خرماها را مخلوط و با یک قیمت متعادل منصفانه

(مشایخی، ۱۳۸۶، ۱۳۰). اگر کسبه و بازاریان نباشند حوائج مردم برآورده نمی‌شود و این صاحبان حرفه‌ها و صنایع هستند که با افکار قوی و روشن خود و با بازوی توانای خود وسایل و ابزاری را که جامعه بدان نیازمند است را می‌سازند و بر مردم عرضه می‌دارند. این دو دسته باعث رونق بازار و کسب و کار و تأمین‌کننده عرضه و تقاضا می‌شوند. باید توجه داشت که معیار در احتکار حرام ایجاد بازار سیاه است به گونه‌ای که موجب تضییق و دشواری مردم مسلمان فراهم گردد. در غیر این صورت، در موارد فراوانی که عرضه بی‌رویه کالا چه بسا موجب تضییع و اتلاف منابع گردد، نه تنها حرام نیست بلکه از جهاتی منطبق با موازین عقلایی است. مثلاً در هنگام بدست آمدن میوه در اواخر تابستان، اگر باغداران محصول خویش را یکباره به بازار عرضه کنند، از آنجا که در آن فصل عوامل عرضه و تقاضا با یکدیگر تناسب ندارد، این عمل نتیجه‌ای جز ضایع شدن و از بین رفتن محصولات نخواهد داشت و عواقب سوء اقتصادی دیگری نیز پیامد آن خواهد بود زیرا به علت ضرر و زیانی که فروشندگان، به خاطر فروش جنس خود به بهای ارزان، متحمل می‌شوند توازن اقتصادی نیز آشفته می‌گردد. در حالی که اگر در همان ایام به مقدار مایحتاج عمومی و فروش به نرخ عادلانه، متناسب با قیمت تمام شده و سود منصفانه، دسترنج خویش را به بازار عرضه کنند و بقیه محصول به نحو صحیح، از جمله نگهداری در سردخانه انبار گردد و به تدریج به موازات مصرف توزیع شود، عملی خردمندانه خواهد بود.

بفروشد (قاسمی، ۱۳۹۳، ۴۷) حضرت به بازارهای مختلف و کسب و کارهای گوناگون سرکشی می‌کرد و آنان را مورد خطاب قرار داده و به رعایت شرع و انصاف بردباری و عدالت سفارش می‌کرد و از نزدیک شدن به، ربا کم، فروشی، بخل دروغ و ظلم بر حذر می‌داشت و در صورت تخلف کاسب خطا کار را مجازات می‌کرد (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ۳۸۳).

امیرالمؤمنان علی علیه‌السلام جهت جلوگیری از تورم و کنترل بازار به مالک اشتر: فرمودند: «در میان بازرگانان کسانی هستند که تنگ‌نظر و بعد معامله بخیل و احتکار کننده‌اند که تنها به سود خود می‌اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند این سودجویی و گران‌فروشی برای افراد جامعه زیان بار و عیب بزرگی برای زمامدار است. از احتکار کالا جلوگیری کن چون رسول خدا صلی‌الله علیه و آله از آن جلوگیری کرد باید خرید و فروش در جامعه‌ی اسلامی به سادگی و بر اساس عدالت انجام گیرد؛ با نرخ‌هایی که فروشنده و خریدار زیان نبینند. کسی که پس از منع تو احتکار کرد، کیفرش کن تا عبرت دیگران شود اما در کیفر او و زیاده‌روی نکن» (قاسمی، ۱۳۹۳، ۴۸-۴۷).

نقل است «از احتکار جلوگیری کن که رسول خدا از آن نهی فرمود... و هرگاه کسی بعد از نهی تو، به احتکار دست زد، وی را کیفر کن» (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۷، ۴۲۹؛ فیض الاسلام، ۱۳۶۵، ج ۵، ۱۰۱۷). پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «محتکر از رحمت خدا به دور است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ۱۶۵). و «کسی که در بازار ما دست به احتکار زند به منزله کسی است که کتاب خدا را انکار کند» (پاینده، ۱۳۸۲، ۴۳۲). امیرمؤمنان علیه‌السلام در نامه به مالک احتکار را ننگ برای جامعه اسلامی

و حاکمان و والیان آن می‌خواند (دشتی، ۱۳۷۹، ۴۳۵) و مبارزه با آن را فریضه‌ای از رسول خدا (ص) می‌دانست؛ «پس از آن که احتکار را ممنوع داشتی، اگر کسی بازهم دست به احتکار کالا زد، کیفرش ده و عقوبتش کن تا سبب عبرت دیگران گردد ولی کار به اسراف نکشد» (دشتی، ۱۳۷۹، ۵۳). امروزه نوسانات اقتصادی به تحریم‌های اقتصادی باعث شده کالاهایی در سطح جامعه کمیاب شود. همین امر باعث نوعی خشونت اقتصادی در جامعه می‌شود.

پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا احتکار به وسیله نگهداری هرگونه طعام و مواد غذایی موردنیاز مردم تحقق می‌یابد یا اختصاص به مواد غذایی خاصی دارد؟ جواب آن است که؛ به نظر مشهور (موسوی خمینی، ۱۴۱۵، ج ۳، ۴۱۰)، فقیهان امامیه کالاهایی که احتکار در مورد آن‌ها صادق است عبارت‌اند از: گندم، جو، خرما، کشمش که غلات چهارگانه معروف هستند و نیز روغن حیوانی نه نباتی). مستند گفته مشهور روایت غیاث بن ابراهیم از امام صادق (علیه‌السلام) می‌باشد غیاث بن ابراهیم عن ابی‌عبدالله (علیه‌السلام) قال: لَیسَ الْحَرَكَةُ إِلَّا فِي الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالتَّمْرِ وَالزَّبِيبِ وَالسَّمَنِ (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۷، ۴۲۵)؛ احتکار فقط در گندم، جو، خرما، کشمش و روغن حیوانی می‌باشد. ملاک برای احتکار دو چیز است. الف) نیاز مردم به کالای احتکار شده با این‌که فروشنده و عرضه‌کننده دیگری نباشد که مردم بتوانند از او کالای خود را تهیه کنند که در اصطلاح فقهی به آن شرط عدم باطل طعام گفته می‌شود (موسوی خمینی، ۱۴۱۵، ج ۳، ۴۱۵). اگرچه حرمت احتکار بر اساس آنچه در روایات آمده و نظر مشهور هم همان است، فقط در غلات چهارگانه و در روغن

حیوانی و روغن نباتی است که طبقات مختلف جامعه به آن نیاز دارند؛ ولی حکومت اسلامی هنگامی که مصلحت عمومی اقتضا کند، حق دارد از احتکار سایر احتیاجات مردم هم جلوگیری کند و اجرای تعزیر مالی بر محتکر در صورتی که حاکم صلاح بداند، اشکال ندارد (موسوی خمینی، ۱۴۲۴، ج ۲، ۱۰۲۷). باید توجه داشت که معیار در احتکار حرام ایجاد بازار سیاه است به گونه‌ای که موجب تضییق و دشواری مردم مسلمان فراهم گردد و گرنه در موارد فراوانی که عرضه بی‌رویه کالا چه بسا موجب تضییع و اتلاف ما، گردد نه تنها حرام نیست بلکه از جهاتی منطبق با موازین عقلایی است.

۵-۱-۶. امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی و ایجاد چهارچوب در روابط مالی بین افراد جامعه مهم‌ترین عامل ایجاد امنیت است. امنیت در تمامی ابعاد آن به عنوان یکی از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین نیاز انسان‌ها مورد توجه دین مبین اسلام قرار دارد. یکی از ابعاد، امنیت اقتصادی است توسعه و پیشرفت اقتصادی و عمران و آبادانی، سرزمین نیازمند ایجاد و ارتقاء امنیت اقتصادی است. امنیت اقتصادی حاصل شناخت عوامل و موانع تهدیدها روش تحصیل و راهکارها و آثار آن است. حکومت هر چند کوتاه امیرمؤمنان (ع) و تأکید ایشان بر ایجاد فضای اقتصادی سالم و به تعبیر امروزی امنیت اقتصادی، می‌تواند الگویی کامل و نیکو از ایجاد و ثبات امنیت اقتصادی را به تصویر کشاند امنیت اقتصادی عبارت است از نبود ترس و خوف و حصول اطمینان و ایجاد بسترهای مناسب و زمینه‌های مورد نیاز برای فعلیت‌های اقتصادی در جهت تولید مناسب ثروت، توزیع و مصرف صحیح آن (خسروی؛ لک زایی، ۱۳۹۵، ۱۰۹-۱۰۷). امام

علی (ع) در نامه‌ای که به مأموران جمع‌آوری زکات می‌دهند گوشزد می‌کنند که «جمع‌آوری مالیات و خراج نباید موجب ناامنی و نگرانی مردم شود و با اعتماد به مردم و خوش‌رویی با ایشان این امر الهی باید محقق شود». در مورد دیگری در خطبه ۲۳۲ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «وقتی عبدالله بن زمعه از یاران امام درخواست مالی از امام می‌کند این گونه پاسخ می‌شنود: این اموال که می‌بینی نه مال من و نه از آن تو است غنیمتی گرد آمده از مسلمانان است که با شمشیرهای خود به دست آوردند، اگر تو درجهاد همراهشان بودی سهمی چنان سهم آنان داشتی و گرنه دست‌رنج آنان خوراک دیگران نخواهد بود» (سیدرضی، ۱۳۸۶، ۲۳۲). بنابراین اگر مدیر یک جامعه وظایف خود را به درستی انجام دهد حاصل آن ثبات و امنیت اقتصادی عموم مردم است بالعکس مدیریت ناشایست موجب ویرانی و گسترش فقر و در نتیجه فقدان امنیت اقتصادی است.

۵-۱-۷. عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی از جمله اهداف نظام اقتصادی اسلام است و در واقع ابزاری برای تحقق هدف عالی می‌باشد که رفاه، سعادت و یا سرجمع حداکثری منافع دنیوی و اخروی فرد و جامعه است. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه بر اینکه دوری و نزدیکی به حاکم نباید مدخلیتی در میزان برخوردها داشته باشد می‌فرمایند: «اجرای حق را درباره هر که باشد چه خویشاوند و چه، بیگانه لازم بدار و در این کار شکیبایی به خرج ده که خداوند پاداش شکیبایی تو را خواهد داد. هرچند در اجرای عدالت خویشاوندان و نزدیکان تو را زیان رسد پس چشم به عاقبت، دار هرچند تحمل

آن بر تو سنگین آید که عاقبتی نیک و پسندیده است» (سیدرضی، ۱۳۸۶، ن ۵۳).

آیت‌الله جوادی آملی عدالت را همان قرار دادن هر شیء در جایش تعبیر کرده است به نظر وی عدالت در ۳ سطح قابل بررسی است اعتقادی، اخلاقی و فقهی و رفتاری مؤلفه‌های اخلاقی تحدیدکننده عدالت ظلم و جهالت و خیانت در امانت است. مؤلفه‌های اعتقادی تحدید کننده عدالت نادیده گرفتن حق و عدم تمایل به آن و نیز عدم قیام جامعه به قسط است و بالاخره مؤلفه‌های فقهی و رفتاری تحدیدکننده عدالت تضعیف روحیه تقوای پیشگی و بی توجهی به نظارت اجتماعی است.

در آرای آیت‌الله جوادی آملی دو تعریف کلی برای عدالت وجود دارد یکی قرار دادن هر چیزی در جای خود و دیگری رساندن حق به حق‌دار اما تأکید ایشان بر اولی است که به عدالت اجتماعی تعبیر می‌شود. در فلسفه اخلاق دو رویکرد نظری تحت عنوان وظیفه‌گرایی و نتیجه‌گرایی وجود دارد و نظر آیت‌الله تلفیقی است که در غیر این صورت به هدف مطلوب که غایت خلقت است نمی‌رسیم هدف مطلوب هم نورانی شدن انسان و خلیفه‌الله شدن انسان است و اینکه اگر انسان درون خود عادل شد به عدالت جامعه هم می‌رسیم. وی تحقق عدالت را راز غایت‌ها و نتیجه متوسط فرد و حکومت می‌داند.

نقد وظیفه‌گرایی با توجه به تراحم وظایف می‌باید به نتایج نگاه کرد آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید: هستی غایت دارد و به تبع آن انسان به نتایج توجه ویژه دارد. در تفسیر تسنیم آیت‌الله به ظلم اشاره می‌کند. وی ظلم تشریعی را به عنوان تعدی عمدی مکلف از وظیفه شرع خود می‌داند یعنی فردی که وظیفه خود را انجام نمی‌دهد و به

حقوق دیگران تعدی می‌کند ظالم است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۹، ۶۷۸). در تفسیر تسنیم از عدل فقهی و رعایت امانت الهی می‌گوید هر فردی اگر وظیفه خود را انجام ندهد و آنچه برای فقه اسلامی تکلیف فردی است انجام ندهد و به حریم دیگری تجاوز کند ظالم است و امانت الهی را رعایت نکرده است و برعکس اگر امانت الهی رعایت شود زمینه بی‌نیازی از عدل حقوقی و قضایی فراهم می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۵، ۳۱۷). به علاوه اصل رعایت عدالت بر هر انسانی واجب است زیرا هرانسانی باید واجبات را انجام داده و محرمات را ترک نماید و این همان عدل است. در نتیجه عدالت وظیفه‌ای است که همه آحاد و رهبران را در برمی‌گیرد. در نتیجه وظیفه همان تکلیف‌های شرع است تا زندگی در چارچوب مشخص درراه تحقق اهداف اخروی و دنیوی انجام شود به نظر آیت‌الله جوادی آملی مهم‌ترین وظایف عبارت‌اند از: (۱) دوری از ظلم و جهالت (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۹، ۴۷۷). (۲) پرهیز از نفاق و هواپرستی و حب دنیا (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۳۹۲). (۳) پرهیز از ستمگری و ستم‌پذیری (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۹، ۵۴۵). (۴) پرهیز از مال دوستی و تکاثر (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۱۲، ۴۱۷). (۵) رعایت امانت و تقوی (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۱۳، ۸۳). (۶) حق‌مداری و حق‌طلبی (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۸، ۴۱۰). (۷) اعدال و عدل-ورزی (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۷، ۴۴۷). در رابطه با رویکرد نتیجه‌گرایی آیت‌الله در تفسیر تسنیم می‌گوید تحقق عدالت از جمله اهداف متوسط در سطح خرد و کلان است و نباید این طور تلقی شود که هدف وسیله را توجیه کند. آیت‌الله معتقد است سخن خداوند و نظام هستی بر محور عدل است انسان بعد از شناخت خود و خدا به مرحله

رسیدن به هدف نهایی برپایه‌ی قسط و عدالت در جامعه است (حدید، ۲۵). و از این رو گفته می‌شود عدالت بستر همه فضایل است با برپایی عدالت منابع و مواهب میان همه مردم به‌گونه‌ای توزیع می‌شود که امکان حرکت به‌سوی هدف فراهم شود (سیدی‌نیا، ۱۳۸۷).

«در نگاه توحیدی گرچه آسمان و زمین و نظام تکوین بر عدل استوار است، و لکن عدل به معنای تکوینی آن محدود نمی‌شود، و معنای اعتباری عدل که اشتراک معنوی با معنای تکوینی آن دارد، در حوزه حیات انسانی قابل تحقق است، و مسئولیت تحقق آن نیز بر عهده آدمیان است» (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ۱۹۶). چه این‌که همگان در قلمرو تشریع به عدل و قسط فرمان داده شده‌اند: «ای آدمیان برپا دارندگان عدل و قسط باشید» و پیامبران نیز برای اقامه قسط و عدل آمده‌اند: «به راستی پیامبران خویش را با نشانه‌ای روشن و همراه با کتاب و میزان فرستادیم تا مردم عدل را برپا دارند». «عدالت اسلامی در این دیدگاه با نظر به فطرت الهی انسان و رعایت حقوق مربوط به آن تأمین می‌شود و به همین دلیل شناخت حق و مصادیق آن بر شناخت عدالت مصادیق آن تقدم دارد» (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ۲۰۸-۲۱۰). امیرالمؤمنان علی علیه‌السلام پس از به حکومت رسیدن سیاست‌های قاطع و سرسختانه در مورد بیت‌المال و امور مالی و درآمدی دولت در پیش گرفت توزیع ثروت در جامعه اسلامی با زمامداری، ایشان دوباره به سنت و روش پیامبر اکرم (ص) بازگشت. در مجموع به نظر می‌رسد باتوجه به اینکه عدالت اقتصادی در جایگاه یک اصل لازم-الرعايه مطرح است و لازم است معیارهای آن دقیق، مستند و شفاف باشد و همچنین با عنایت به ابهام‌های فراوانی که درباره قرار دادن «توازن

عبودیت می‌رسد و زمینه‌سازی برای تقوا و حق‌مداری را انجام می‌دهد یعنی از حق تخطی نکند و ظلم نکند و قائل به این می‌شود که هر چیزی را در جای خود قرار دهد و این همان عدل است. آیت‌الله به دفعات یادآور شده است که عدل ورزی هدف متوسط ارسال رسل است و نه هدف نهایی انسان از راه عدالت توانمند می‌شود یعنی توانمندی در عدل ورزی از راه مراجعه به درون انجام می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۸، ۲۴۳).

از منظر اسلام، عمران و آبادانی اقتصادی مبتنی بر عدالت است و موجب پایداری نظام اجتماعی و سیاسی است با عدالت زندگی مردم قوام یافته و همچنین موجب پیروی از سنت و روش الهی و استحکام و پایداری دولتهاست و با حاکمیت عدالت زندگی مردم سامان می‌یابد و برکات فزاینده را به دنبال دارد (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۳، ۲۰۵). در این صورت درآمدهای کافی برای زندگی آبرومندانه خواهند داشت و بی‌نیاز و شادکام می‌شوند چنانچه در روایتی از امام موسی کاظم عدالت شیرین‌تر از عسل دانسته شده (کلینی، ۱۴۳۰، ج ۱، ۵۴۲). بدین ترتیب در نظر اسلام عدالت معیار بی‌بدیل بنیان‌ها و نهادهای اجتماعی است و هر جامعه‌ای برای پایداری و شکوفایی باید بر اساس عدالت شکل بگیرد. اگر پذیرفته شود کارایی به معنای مؤثرترین استفاده از منابع تولیدی معین نیروی کار مواد اولیه ماشین‌آلات و... دانسته شود آنگاه می‌توان نقطه افتراق میان دیدگاه‌ها را در تبیین واژه مؤثرترین دانست بر اساس اینکه کدام نوع استفاده از منابع ما را به بهترین نحو به هدفمان می‌رساند مؤثرترین استفاده نیز معنا می‌شود. در این صورت هدف و چگونگی دستیابی به آن در معنای کارایی بیشترین نقش را دارد. اما شرط

عمومی» به صورت معیار عدالت اقتصادی مطرح است و این گونه ابهام‌ها ممکن است سرانجام دیگر هدف‌ها و مصالح اجتماعی مانند: کارایی، آزادی، امنیت و رشد اقتصادی را تضعیف‌کند؛ مناسب‌ترین کار درباره عدالت اقتصادی در چارچوب اسلامی این است که: نخست، حقوق اقتصادی افراد و دولت در مراحل گوناگون توزیع به دقت تعریف و اجرای کامل آن‌ها، به صورت معیار و راهکار عدالت، مطمح نظر قرار گیرد؛ دوم، تامین-زندگی فقیران در حد کفاف به صورت نتیجه‌های سیاست‌های اقتصادی در راس دغدغه‌های دولت قرار گیرد؛ سوم، با استفاده از راهکارهای اخلاقی مانند: انفاق‌های مستحبی، مبارزه با اسراف و اتراف و تشویق به ساده زیستی، جامعه به سمت توازن بیشتر در توزیع درآمد، ثروت و امکانات مصرفی سوق داده شود.

۶. نتیجه

در مقاله حاضر به بررسی این سوال مهم پرداخته شد که مصادیق حقوق اقتصادی شهروندان از دیدگاه فقه امامیه و آیت‌الله جوادی آملی کدام است؟ نتایج نشان داد که حقوقی چون، عدالت و امنیت اقتصادی، عدم وجود فساد، احتکار و گرانفروشی، توسعه و رفاه اقتصادی، حق اشتغال و مالکیت از مهمترین مصادیق حقوق اقتصادی شهروندان است که در این خصوص میان زن و مرد تفاوتی وجود ندارد و صرفاً حق اشتغال است که در خصوص زنان تابع مصلحت خانوادگی است. از دیدگاه فقه امامیه و جوادی آملی، حقوق اقتصادی به معنای تأمین معیشت آن‌ها است. حقوق اقتصادی دربرگیرنده توزیع عادلانه بیت‌المال تنظیم عادلانه روابط اقتصادی، حمایت ویژه از تولید فضای کسب‌وکار، کنترل تورم و

نظارت بر بازار تأمین رفاه عمومی مردم است. امام علی(ع) در دوران حکومت خود سعی داشت با رعایت حقوق اقتصادی مردم و عدالت اقتصادی اقتصاد را رونق دهد و راهکارهایی را از قبیل رونق کشاورزی، نظارت دقیق فعالیت کارگزاران و دریافت مالیات تقسیم عادلانه ثروت ملی و اموال بیت‌المال مجازات متخلفان و سلامت اداری را در نظر می‌گرفت. حقوق اقتصادی منافاتی با رفاه اجتماعی و کارآیی اقتصادی ندارد بلکه رفاه همه جانبه و بلندمدت تنها در پرتو عدالت اقتصادی قابل تحقق است در مواردی هزینه کردن کارآیی برای، عدالت به خاطر آن است که با مراعات عدالت، مصالح همه‌جانبه برای جامعه میسر خواهد شد.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

فارسی

- امامی، اسداله؛ صفایی، حسین، مختصر حقوق خانواده، چاپ چهارم، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۸.
- امامی، حسن، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ سی و سوم، انتشارات اسلامیه، ۱۳۹۱.
- باباپور، محمدمهدی، درآمدی بر سیاست و حکومت در نهج البلاغه، چاپ اول، قم، عصر ظهور، ۱۳۸۰.
- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، چاپ چهارم، تهران، نشر دنیای دانش، ۱۳۸۲.
- پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اندیشه سیاسی در گفتمان علوی، چاپ اول، قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴.
- توتونچیان، مهری، «جایگاه حقوق اقتصادی - اجتماعی در حقوق بشر اسلامی از منظر فقه»، مجله حقوق پزشکی، شماره ششم، ۱۳۹۸.
- جوادی آملی، عبدالله، جامعه در قرآن، جلد پنجم، چاپ سوم، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۹.
- جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، چاپ ششم، قم، نشر اسراء، ۱۳۷۵.
- جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، چاپ ششم، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۹.
- جوادی آملی، عبدالله، تنسیم تفسیر قرآن کریم، جلد دوازدهم و سیزدهم، چاپ هشتم، قم، نشر اسراء، ۱۳۹۲.
- جوادی آملی، عبدالله، تنسیم تفسیر قرآن کریم، جلد چهارم، چاپ سوم، قم، انتشارات اسراء، ۱۳۸۵.
- جوادی آملی، عبدالله، تنسیم تفسیر قرآن کریم، جلد یازدهم، چاپ دوم، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۷.
- جوادی آملی، عبدالله، تنسیم تفسیر قرآن کریم، جلد هشتم، چاپ نهم، قم، انتشارات اسراء، ۱۳۹۰.
- جوادی آملی، عبدالله، تنسیم تفسیر قرآن کریم، جلد هفدهم و هشتم و نهم، چاپ دهم، قم، انتشارات اسراء، ۱۳۹۱.
- جوادی آملی، عبدالله، تنسیم تفسیر قرآن کریم، جلد اول، چاپ هفتم، قم، نشر اسراء، ۱۳۹۱.
- جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، جلد نوزدهم، چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۸.
- جوادی آملی، عبدالله، نسبت دین و دنیا، چاپ اول، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۱.
- جوادی آملی، عبدالله، «الزامات اقتصاد مقاومتی»، نشریه رادیو، شماره شصت و هشتم، ۱۳۹۱.
- خسروی، رضا؛ لک زایی، نجف، «امنیت اقتصادی از دیدگاه امام علی علیه السلام با تأکید بر عهدنامه مالک اشتر»، پژوهش‌های نهج البلاغه، شماره پنجاهم، ۱۳۹۵.
- دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، چاپ اول، قم، نشر مشهور، ۱۳۷۹.
- سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، چاپ سوم، تهران، پیام آزادی، ۱۳۸۶.
- سیدی‌نیا، علی‌اکبر، «کرامت انسانی و اقتصاد»، فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره بیست و نهم، ۱۳۸۷.
- شفیع‌زاده، منصور، نگاهی دوباره به اندیشه‌های اقتصادی حضرت امام خمینی(ره)، چاپ دوم، تهران، نشر مدرس، ۱۳۷۳.
- صدر، شهید محمدباقر، اقتصادنا، چاپ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵.
- فریوریگانه، محسن؛ شکرانی، رضا؛ سلیمی، هادی، «مراحل تاریخی شکل‌گیری نظام حقوق

- اقتصادی در قرآن کریم»، مجله مطالعات قرآن و حدیث، شماره بیست و هشتم، ۱۴۰۰.
- فیض الاسلام، علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، جلد پنجم، چاپ اول، تهران، نشر سپهر، ۱۳۶۵.
- قاسمی، وحید، جمهوری علوی (پژوهشی در سیره حکومت داری امیرالمومنان علیه السلام)، چاپ اول، تهران، ناشر آرام دل، ۱۳۹۳.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، (اموال و مالکیت)، چاپ اول، تهران، نشر یلدا، ۱۳۷۴.
- مالک، محمدرضا، «وظایف و مسؤولیت های دولت اسلامی در اقتصاد»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره دوازدهم، ۱۳۸۲.
- مشایخی، قدرت اله، کارگزاران حکومت اسلامی از دیدگاه امام علی (ع)، چاپ اول، قم، انصاریان، ۱۳۸۶.
- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ یکم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- نصری، عبدالله، مبانی انسان شناسی در قرآن، چاپ سوم، تهران، نشر موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹.
- یثربی، سیدعلی محمد، «قرائت فقهی حقوق اقتصادی»، مجله حقوق خصوصی (دانشگاه تهران)، شماره بیست و چهارم، ۱۳۹۳.
- عربی**
- ابن فارس بن زکریا، احمد ابی الحسین، معجم مقاییس اللغة، جلد پنجم، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، جلد سیزدهم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸.
- انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، جلد دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم در الکلم، جلد سوم، موسسه انصاریان، ۱۳۶۶.
- بجنوردی، سیدحسن، القواعد الفقهیه، جلد پنجم، قم، انتشارات الهادی، ۱۴۱۹.
- بیهقی، احمد بن الحسین، السنن الکبری (باشراف مکتب البحوث والدراسات)، جلد نهم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۹.
- جزائری المروج، سید محمد جعفر، هدی الطالب الی شرح المکاسب، جلد اول، قم، مؤسسه دارالکتاب الجزایری، ۱۴۱۶.
- حر عاملی، محمد بن حسن، الوسائل الشیعیه، جلد هفدهم، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۲.
- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعیه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد هفدهم، قم، مؤسسه آل بیت، ۱۴۱۴.
- خمینی، روح الله، کتاب البیع، جلد سوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۵.
- خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، جلد دوم، چاپ سوم، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۳.
- خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، جلد دوم، قم، مؤسسه دار العلم، ۱۴۲۴.
- شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، (تصحیح صالح صبحی)، قم، هجرت، ۱۴۱۴.
- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، جلد هفتم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷.
- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، جلد چهارم و نوزدهم و چهاردهم، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۴۰.
- طباطبایی یزدی، سید کاظم، حاشیه مکاسب، جلد اول، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۲۱.

- کلینی، محمد بن یعقوب، فروع الکافی (کتاب المعیشه)، جلد پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷
- کلینی، محمد بن یعقوب، فروع الکافی، جلد اول و پنجم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۳۰.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)، جلد سی و سی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳.

